

به بهانه ۲ جولای، سالروز مرگ نوستراداموس، معروفترین پیشگوی تاریخ

دنیای پررمز و راز پیشگویی!

الهام یوسفی - همه ما دوست داریم

سوار ماشین زمان شویم و به آینده سفر کنیم.

دوست داریم با روش های جادویی و ماورایی، بفهمیم چه

چیزی در آینده انتظارمان را می کشد؟ قرار است چه مسیرهایی را

طی کنیم و اگر این کار یا آن کار را بکنیم، نتیجه چه می شود؟ و در این راه به

ابزارهای مختلفی هم متوسل می شویم. بعضی نقش های نامفهوم و قرو فاطلی ته

فتجان قهوه شان را جدی می گیرند و برخی هم کف دست شان را می گذارند جلوی یک

کف بین و از او می خواهند فالشان را بگیرد و از آینده نامعلوم شان خبر دهد. بعضی هم پول

بیشتری خرج می کنند تا یک مدعی خبر از آینده، رمل و اسطرلابش را در آورد و مهره هایش را

بریزد توی گود و آینده را برایشان روشن کند. این تمایل به دانستن آینده در همه ما وجود دارد اما

خیلی هایمان خوب می دانیم که هیچ نیرویی نمی تواند آینده را برایمان پیش گوینی کند. مخصوصا

یک انسان که دایره دید و توانایی هایش درست به اندازه خود ماست. البته که با فکر و تعقل در

رفتار هایمان و مسیرهایی که می رویم، خودمان تا حدی می توانیم بفهمیم در آینده چه چیزی

ممکن است انتظارمان را بکشد. اما به تجربه دریافته ایم که آینده، غیر قابل پیش بینی تر از این

است که خودش را در اشعار و ادبیات و گوی و بساط رمل و اسطرلاب و کف دست و ته فتجان

قهوه نشان دهد. امروز به بهانه سالروز مرگ نوستراداموس، یکی از چهره هایی که به او

قدرت پیشگویی آینده را نسبت می دهند، می خواهیم سری بزنیم به دنیای بامزه

و پر رمز و راز پیشگویی. مروری داریم بر سرگذشت نوستراداموس و تعدادی از

مثلا پیشگویی هایش، نگاهی داریم بر تعدادی از پیش بینی های آینده

در فرهنگ های گوناگون. با ما همراه باشید.



امروزه او را مشهور کرده. نوستر

در کنار استقبال عموم مردم

از پیشگویی هایش، در معرض

تهدیدهایی هم قرار داشت؛

به همین دلیل با بازی با کلمات

و استفاده از زبان های دیگری

مثل یونانی، ایتالیایی، لاتین و

زبان های منطقه ای سعی می کرد

نوشته هایش را مبهم کند. در سال

۱۵۶۶ بیماری نفرس که سال ها باعث

رنجش نوستراداموس شده بود، به ورم یاب آب آوردگی

تبدیل شد. ادعا می شود سرور زیکم ژوئن، نوستر منشی اش را

صدا کرد و گفت: «تو هنگام طلوع خورشید مرا زنده نخواهی دید.»

صبح روز بعد بدن بی جان نوستراداموس را کف اتاق پیدا کردند.

۱۵۵۰ اولین تقویم نجومی را

که در آن پیشگویی هایی درباره

رخدادها و اوضاع جوی سال

بعد انجام شده بود، منتشر

کرد. بعد از این بود که نامش

را به «نوستراداموس» تغییر داد

و خودش را کسی که به پزشکی

و ستارگان علاقه دارد، معرفی

کرد. نوشتن سالنامه آن قدر برای

نوستر موفقیت آمیز و انگیزه بخش بود که

تصمیم گرفت هر سال یک یا چند سالنامه نجومی

بنویسد. در این آثار حداقل ۶ هزار و ۳۳۸ مورد پیشگویی

وجود دارد! او سپس پروژه نوشتن کتاب «یک هزار پیشگویی»

را آغاز کرد، این کتاب شامل پیشگویی های نامعلومی است که

نوستراداموس کیه؟

«نوسترَاداموس» با نام واقعی «میشل دو نُسُتردام» دسامبر سال

۱۵۰۳ در جنوب فرانسه متولد شد. میشل از همان اوایل تحصیل

به نجوم و ریاضیات علاقه بسیار زیادی نشان داد. در ۱۵ سالگی

به دانشگاه رفت و کمی بعد، وقتی دانشگاه به دلیل شیوع طاعون

تعطیل شد، به کار عطاری پرداخت. چندسالی به عنوان عطار کار

کرد، بعد به پیشنهاد پدر رفت سراغ تحصیل پزشکی. در دانشگاه

با نویسنده نامدار فرانسوی، «فرانسوا رابله» آشنا شد و به تشویق او

شروع کرد به سرودن شعر و نوشتن قطعات ادبی؛ البته اشعار و متون

او شباهتی به آثار ادبی معمول نداشت چرا که محتوایی پیشگویانه

داشت. میشل پس از مدت کوتاهی از دانشگاه اخراج شد؛ رؤسا مطلع

شده بودند که او زمانی عطاری می کرده است و این کار از نظرشان

ممنوع بود. او پس از اخراج از دانشگاه دوباره عطاری را از سر گرفت

و با ساختن «قرص رز» که گمان می رفت ضد طاعون است، شهرت

پیدا کرد. علوم ناشناخته و غریبه از دیگر علایق میشل بود. او در سال

چه پیشگویی هایی به نوستراداموس منتسب شده؟

نوستراداموس شناس ها با مراجعه به ابیات استاد مدعی هستند او

بسیاری از وقایع مهم دنیا را پیش بینی کرده است. مثلا وقایع دوران

بعد از انقلاب کبیر فرانسه و عاقبت کار ناپلئون بناپارت

را. او همچنین از وقوع جنگ جهانی اول و تولد

و ظهور هیتلر خبر داده است. قرار «لویی

شانزدهم» از پاریس و دستگیری او،

یکی دیگر از پیش بینی هایی است

که از رباعیات نوستراداموس

استنباط شده است؛ البته

رباعی مورد نظر چندان واضح

و مشخص نیست و به هر ماجرا

و هر زمانی می تواند نسبت

داده شود؛ در میان یک اختلاف

و بهاهوی شدید/ سرانجام شیپور

به صدا در خواهد آمد/ جلا دسر او را

از تن جدا خواهد کرد/ و سر خون آلود

را به آسمان خواهد گرفت». با این وجود



پیش گویی های نوستراداموس چه ویژگی هایی داره؟

■ ویژگی کلی همه پیش گویی ها، مبهم، کلی و مشروط بودن است.

پیشگوها به طور جدی از به کار بردن جملات واضح و روشن که

ممکن است بعدا غلط از آب در بیاید، خودداری می کنند. استفاده

از «قید» هم به تعبیر و تفسیر ادعاهای مطرح شده به نفع پیشگو

کمک می کند. «نوستراداموس» در به کار بردن این اصل اساسی

آنقدر زیاده روی کرد که بسیاری از هم عصرانش، از جمله ویراستار

کتابش به او خرده گرفته اند. نمونه این پیشگویی های کلی را در

پیش بینی فرار لویی شانزدهم دیدیم.

■ پیش بینی رویدادهای ناگوار و فجاجع، وجه مشترک همه

پیش بینی هاست. پیشگوها خوب می دانند این نوع پیشگویی ها

طرفدار بیشتری دارد و شنوندگان، آن ها را آسان تر به یاد می آورند.

ضمن این که رخدادشان اصلا بعید نیست؛ از زمان پیشگویی تا

چندین سال آینده امکان تحققشان وجود دارد. نوستراداموس هم

همان طور که می دانید متخصص پیشگویی جنگ، انقلاب، قتل،

زمین لرزه، سیل، قحطی و دیگر بلاهای طبیعی است.

■ مفسران و معبران، دست راست پیشگوها هستند. آن ها قادرند از

مبهم ترین و دوپهلوترین و حتی بی معنی ترین ادعاها، یک

پیش بینی قابل باور بسازند. برای همین نوستراداموس و دوستانش

با خیال راحت از بازی با کلمات، استعارها، تمثیل ها و واژه های

چندمعنایی استفاده می کردند و باقی ماجرا را می سپردن به

دوستانِ مفسر شان. برای مثال، واژه «لایون» به معنی شیر، نماد

پیش بینی های بامزه آینده، در فرهنگ های گوناگون

مانده کاشیان- در همه جای دنیا و در تمام فرهنگ ها، تلاش هایی برای پیشگویی آینده، حداقل آینده نزدیک،

وجود دارد. مردم تمام کشورها، بر اساس برخی باور ها، بین خودشان یک سری قرارداد شفاهی برای پیش بینی

آینده نه چندان دور تعریف کرده اند که مثلا: اگر فلان شرایط وجود داشته باشد، فلان اتفاق می افتد! حتما در

کشور و فرهنگ خودمان هم شنیده اید که «بالا آمدن تقاله چای روی سطح چای، نشانه آمدن مهمان است»، «ردیف

شدن ظروف غذا توی سفر، نوید از راه رسیدن مسافر است»، «اگر کف دستت می خارد، به زودی صاحب پول می

شوی» یا «اگر کف پاهایت می خارد، به جای جدیدی خواهی رفت» و از این دست پیشگویی ها که به شکل کلی،

ریشه در خرافات دارد و صرفا به درد سر گرمی می خورد. شاید مرور این گونه پیش بینی ها در نقاط مختلف دنیا و

فرهنگ های گوناگون برایتان جالب باشد.

■ دیگر همه مان می دانیم بسیاری از مردم دنیا باور دارند عدد سیزده نحس است و فکر می کنند در صورتی که این

عدد را به عنوان شماره اتاق و شماره صندلی انتخاب کنند یا در روز سیزدهم ماه، کاری انجام دهند، به نحسی و

بدبینی این عدد در آینده گرفتار می شوند.

■ دیدن گربه سیاه هم از آن باورهای خرافی قدیمی است که در برخی کشورها نشانه بدشانسی و در برخی، نشانه

خوش شانسی در آینده است. مثلا انگلیسی ها معتقدند اگر یک دختر مجرد یک گربه سیاه در خانه نگه دارد، در

آینده خواستگاران زیادی خواهد داشت!

■ مردم روسیه معتقدند اگر کسی در محیط درسته سوت بزند، به زودی همه پولش را از دست می دهد. یا معتقدند

در صورتی که موضوع مهمی را فراموش کرده اید، اگر دقایقی در آینه به خودتان نگاه کنید، آن مسئله را به یاد می

آورید.

■ هندی ها هم حدس های خنده داری درباره آینده، بر مبنای یک سری اتفاقات ساده می زنند. مثلا معتقدند اگر

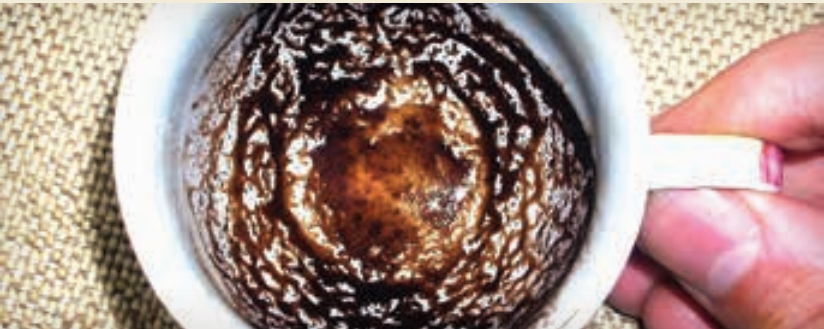
حشره ای را بکشید، به زودی به سرنوشت شومی دچار می شوید. اگر سسکه کنید، به زودی کسی به شما فکر

می کند. اگر چشمتان بخارد، کسی به شما حسادت خواهد کرد. اگر گوش راستان زنگ بزند، کسی از شما

تعریف می کند و اگر گوش چپتان صدا بدهد، کسی غیبت و بدگویی تان را خواهد کرد.

چرا نباید پیشگویی را باور کنیم؟

پیشگویی! راست یا دروغ؟ مسئله این است



اگرم انتصاری - آدم است دیگر، در مانده که می شود به فال قهوه مهوش جون دم دل می بندد. شاید این سوال پیش

بیاید که وقتی پیشگویی مهوش جون به واقعیت پیوست شما کجا بودید که حالا دارید نانش را آجر می کنید؟ مهوش

خانم به کنار، درباره نوستراداموس که بسیاری از پیش بینی هایش درست از آب در آمده است چه حرفی برای گفتن

دارید؟ پاسخ این سوال ها به خودتان بر می گردد. به ذهنیتی که از یک پیشگویی برای خودتان می سازید. وقتی یک

پیشگویی را می شنوید و آن را باور می کنید، ناخودآگاه پیشگویی را در ذهن تان مرور می کنید، نگاهتان به اتفاقات

عوض می شود و سعی می کنید از هر اتفاق حتی کوچک و بی ربطی، نتیجه ای را برداشت کنید که در راستای حقیقی

شدن باور ناشی از پیشگویی باشد. در واقع باور ها در ناخودآگاه انسان طوری کنترل اوضاع را در دست می گیرند

که شاید خودتان باور تان نشود. مثلا اگر همیشه فکر کنید بدشانس ترین انسان روی زمین هستید، بد شانس

های بیشتری را تجربه می کنید یا اگر دائم در فکر رسیدن به شغل مورد علاقه تان باشید و در جهش کاری انجام

دهید، به آن می رسید. برای درک این جریان، برگردید و به فهرست آرزوهای دور و دراز چند سال گذشته تان نگاه

کنید و بعد از مرور آن ها، ببینید چند در صد شان عملی شدند؟ این همان چیزی است که به اسم قانون جذب شهرت

یافته است. حالا اگر پیشگویی را در حالتی بشنوید که همان موضوع خوشایند ذهن تان باشد، زودتر و عمیق تر آن را

باور می کنید. ناخودآگاه کارهایی می کنید که آن پیشگویی عملی شود طوری که حتی خودتان متوجه نیستید، در

واقع به دست خودتان آن باور را عملی می کنید و بعد قربان صدقه پیشگو می روید. قدرت ناخودآگاه همیشه برای

دانשמندان یک چالش بزرگ بوده است و سوزه آزمایش های متفاوت. یکی از معروف ترین آزمایش های ناخودآگاه

از آن پروفیسور دریم بل است که با توجه به آزمون هایی در شرایط مختلف از یک گروه مشخص در سال ۲۰۱۰ نشان

داد ناخودآگاه افراد به اندازه زیادی در شکل گیری اتفاقات آینده تاثیر می گذارد. فرض کنید بزرگترین پیشگوی

عالم آینده تان را پیش بینی کند، مگر نه این که این پیشگویی بر اساس حال فعلی گفته می شود؟ آن هم در دنیایی

که همه چیز به صورت دومینو وار روی هم تاثیر می گذارند و شکل عوض می کنند در صدم ثانیه حتی. ثانیه های آخر

یک مسابقه فوتبال حساس را در نظر بگیرید، یک پاس کوتاه و حواس پرتی می تواند همه چیز را تغییر دهد. حالا

همین قضیه را به دنیای بزرگ اطراف تان و شاخص های زیادی که در اتفاقات آن نقش دارند بسط بدهید؛ می بینید

پیشگویی کردن در این فضا قبل از این که سخت به نظر برسد خنده دار است. البته ناگفته نماند نفس این که خدا و

اولیای خاصش از آینده خبر دارند ارتباطی با پیشگویی های آدم های معمولی ندارد.